

مقدمه

تأثیر محیط فیزیکی و اجتماعی بر افراد جامعه به حدی است که می‌توان شکل‌گیری تدریجی شخصیت را یک نوع اجتماع شدن فزاینده دانست. مردم‌شناسان، معمولاً پذیرش فرهنگ از طرف یا یادگیری اجتماعی را یک امر خود به خودی و ضمنی تلقی می‌کنند و در این میان مارگارت میدا^۱ فرهنگ‌پذیری را بر مبنای تداخل امور و عوامل در ابعاد تداوم و تقارن زمان توجیه می‌کند (۱).

جامعه شامل مجموعه مسائلی همچون نهادها، اخلاق و ارزشها، قوانین و ضوابطی است که مقام افراد و مسؤولیتها را در گروه تعیین و وحدت ایجاد می‌کند. به عبارت کلی‌تر جامعه در معنای ارضیه ملی، آداب و سنن، مداومت و ثبات توصیف می‌شود و تعلیم و تربیت به مفهوم انتقال دانش و ارزشهای فرهنگی یکی از مهمترین وسائل تضمین این ثبات و بقاء است. علاوه بر ارزشهایی که مستقیم از طریق مدرسه و خانه به فرد منتقل می‌شوند، ارزشهایی نیز بطور غیرمستقیم به فرد انتقال می‌یابند که یادگیرنده ممکن است برخلاف نیت مسؤولان یا موافق با آنان ارزشهایی را دریافت کنند (۱).

ارزشهای قابل انتقال بطور غیرمستقیم براساس طبقات اجتماعی افراد قابل تغییر هستند و روشهای مختلفی را می‌توان برای آن برشمرد. در این میان بعضی از ارزشها جامعیت دارند و حیطه عمل آنها وسیع‌تر از ارزشهای دیگر است. مطبوعات به عنوان عامل انتقال ارزشها بطور غیرمستقیم از طیف وسیع‌تری برخوردارند و همه افراد جامعه بدون در نظر گرفتن طبقه اجتماعی آنان تحت تأثیر رسانه‌های گروهی از جمله قرار می‌گیرند.

^۱ - Margarer Mead